شنبه‌ها با شاهنامه فردوسی ۴۵



شاعر و پژوهشگر
دکتر یوسف بینا

دو فرزند بودش به‌کردارِ ماه
سَزاوارِ شاهی و تخت و کلاه
یکی نام گشتاسپ و دیگر زریر
که زیر آوریدی سرِ نرّه‌شیر
[...] بدیشان بُدی جانِ لهراسپ شاد
ؤ زیشان نکردی زِ گشتاسپ یاد
که گشتاسپ را سر پر از باد بود
ؤ زآن کار لهراسپ ناشاد بود

وقتی لهراسپ -که کیخسرو او را برای پادشاهی ایران انتخاب کرده است- بر تخت فرمانروایی می‌نشیند، ایرانیان فرمانروایی او را می‌پذیرند و او را به‌عنوان پادشاهی خردمند به رسمیت می‌شناسند. بخش مهمی از داستان پادشاهی لهراسپ در شاهنامه فردوسی به ماجراهای فرزندش، گشتاسپ، اختصاص دارد که ناسازگار با پدر است و از ایران می‌رود و با کتایون، دختر پادشاه روم، ازدواج می‌کند و پس از بازگشت به ایران می‌کوشد پدرش را از پادشاهی بردارد و خود به جایش بنشیند که سرانجام به خواسته‌اش می‌رسد.

فردوسی در این بیت‌ها می‌گوید: لهراسپ دو فرزند زیبا و شایسته برای پادشاهی داشت به نام‌های گشتاسپ و زریر که بسیار دلاور بودند و لهراسپ به وجودشان شاد بود، اما از میان این دو فرزند توجهی به گشتاسپ نداشت، زیرا از غرور و تکبر گشتاسپ ناراحت بود.

در این داستان شاهد اختلاف‌نظر و برخورد پدر و پسر هستیم، همانند اختلاف‌نظرها و برخوردهای سام و زال یا کیکاوس و سیاوش یا رستم و سهراب یا گیو و بیژن یا خود همین گشتاسپ با فرزندش اسفندیار و موارد دیگر. سام به زال بی‌مهری می‌کند و زال بارها و بارها این بی‌مهری را به روی پدرش می‌آورد، کیکاوس به سیاوش بدگمان است و سرگذشت تلخ سیاوش از همین بدگمانی‌ها آغاز می‌شود و به مرگ مظلومانه او در غربت می‌انجامد، رستم و سهراب با هم می‌جنگند و پسر به‌دست پدر کشته می‌شود، گیو با بیژن در موارد بسیاری مجادله دارد، گشتاسپ می‌خواهد پیش از مرگ پدرش به‌جای او به پادشاهی دست یابد و خودش نیز به فرزندش، اسفندیار، بدگمان است و او را به کام مرگ می‌فرستد. به‌گفته پژوهشگران، این اختلاف‌نظرها و برخوردهای پدروپسری می‌تواند نمود اساطیری برخورد نسل نو با نسل کهن در طول تاریخ بشریت باشد که نسل کهن گاه نسل نو را به رسمیت نمی‌شناسد و گاه نسل نو نمی‌خواهد نسل کهن را بپذیرد. از منظری دیگر، می‌دانیم که فردوسی در آستانه پیری به سوگ پسر جوان مرگش می‌نشیند و بیت‌های مرثیه‌واری برای او در شاهنامه می‌آورد که به‌گواهی این بیت‌ها این پسر با پدرش درشتی می‌کرده یا شاید نافرمان بوده است. آیا اختلاف‌های پدروپسری در شاهنامه را نمی‌توان بازتابی از زندگی شخصی حکیم توس دانست؟ اگر از منظر روان‌شناسی ادبیات به این موضوع بنگریم، پاسخ ما به این پرسش مثبت خواهد بود.

صاحب‌خبر

شاپور جورکش درگذشت



شاپور جورکش، منتقد مشهور ادبیات و مترجم و شاعر و نویسنده، درگذشت. این نویسنده ساکن شیراز، بامداد دیروز بر اثر مشکلات ریوی و تنفسی جان به جان‌آفرین تسلیم کرد. جورکش ۱۰ بهمن ۱۳۲۹ در شهرستان فسا زاده شد و تحصیلاتش را تا مقطع کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات انگلیسی در دانشگاه شیراز دنبال کرد. او مدرس دانشگاه بود و فعالیتی جدی در عرصه ادبیات داشت. دراین باره، کتاب‌هایی منتشر کرد که معروف‌ترین آن‌ها «بوطیقای شعر نو» است.

«برنامه‌ریزی نوین: آموزش خلاق زبان از طریق بازی‌های آموزشی برای مهدکودک‌ها، آموزشگاه‌ها و مؤسسه‌های زبان انگلیسی»، «درآمدی تاریخی بر نظریه ادبی از افلاتون تا بارت» نوشته ریچارد هارلند، «دموکراسی و هنر» اثر آرتور ملرز و ریچارد زینمان و...، «نام دیگر دوزخ (مجموعه شعر)» از جمله آثار دیگری است که او در قامت مؤلف یا مترجم یا عضو گروه نوشتاری و ترجمه آن منتشر کرد.

زین قند پارسی

علیرضا حیدری | مدرس ویراستاری

ناویراسته ✗

به مناسبت ایام عزاداری سیدالشهداء، سینماها از ۴ مرداد تا ۸ مرداد تعطیل خواهند بود.

ویراسته ✓

به مناسبت ایام عزاداری سیدالشهدا، سینماها از ۴ تا ۸ مرداد تعطیل خواهند بود.

نکته

در نگارش فارسی، همزه بعد از الف ممدوده (اء) حذف می‌شود؛ در هنگام اضافه شدن هم بهتر است به «ی» تبدیل شود؛ مانند «املاء» و «انشاء» و «سیدالشهداء» که در فارسی «املا» و «انشا» و «سیدالشهدا» می‌نویسیم و در حالت اضافه، برای نمونه می‌نویسیم: «نمره املای سعید بالاتر از نمره انشای اوست.»

#زین_قند_پارسی

جمعی از ناشران کشور در پی کشف حجاب برخی کارکنان «طاقچه» این اپلیکیشن را تحریم کردند

پای باورمان ایستاده‌ایم



گروه فرهنگ و ادبیات

رویداد

در پی انتشار تصویری از کارکنان اپلیکیشن «طاقچه» که در آن، بیشتر خانم‌ها حجاب ندارند، انتشارات آستان قدس رضوی (به‌نشر) سردمدار قطع همکاری با این شرکت شد. به‌گزارش شهرآرانیوز، به تازگی تصویری از کارکنان اپلیکیشن طاقچه منتشر شده است که در آن بیشتر خانم‌ها بی‌حجاب هستند. بر همین اساس، مدیرعامل به‌نشر طی نامه‌ای به تاریخ سوم مردادماه، به مدیرعامل این اپلیکیشن اعلام کرده است که انتشارات متبوعش به همکاری خود با آن شرکت پایان می‌دهد. این رخداد، آغازگر قطع همکاری شماری از ناشران انقلاب اسلامی با طاقچه شد که از آن میان می‌توان به دیگر انتشاراتی مشهدی، نشر ستاره‌ها، اشاره کرد.

پایان همکاری هفت‌ساله

در نامه مدیرعامل به نشر به مدیرعامل طاقچه، حسین سعیدی با اشاره به همکاری هفت‌ساله این انتشارات با فروشگاه مجازی نام‌برده و نشر بیش از ششصد کتاب از طریق این اپلیکیشن، خطاب به امیرحسین لطیفی، مدیرعامل طاقچه، نوشته است: «علی‌رغم همکاری مطلوب در طی این سال‌ها، اخیرا تصویری از کارکنان طاقچه منتشر شده است که در آن عکس، متأسفانه اکثر خانم‌های حاضر بدون حجاب هستند. بنابراین، ضمن ابراز تأسف و تأثر از این اقدام، به‌دلیل پایبندنبودن به قوانین و مقررات مدنی و شرعی توسط کارکنان طاقچه، پایان هرگونه همکاری تجاری و فرهنگی به‌نشر با این اپلیکیشن را از این تاریخ اعلام می‌کنیم.»

کتاب‌های ما را از این پلتفرم خارج کنید

خط مقدم، شهید کاظمی، راه یار، تمدن نوین، شهید هادی، پیام آزادگان، مهرستان و... ناشرانی هستند که پس از کشف حجاب کارکنان طاقچه، با این پلتفرم توزیع کتاب‌های صوتی و الکترونیکی قطع همکاری کردند. بر پایه گزارشی که خبرگزاری فارس منتشر کرده است، بعضی از این ناشران از طاقچه بابت بدهی‌های گذشته طلبکار هم هستند. در ادامه این گزارش، بیانیه‌ها و نامه‌های مدیران ناشران مزبور خطاب به مدیرعامل طاقچه آمده است که گزیده‌ای از آن را می‌توانید بخوانید.

در نامه انتشارات شهید کاظمی آمده است: «باتوجه به تصویر منتشرشده در فضای مجازی از خانواده و کارگزاران شرکت طاقچه که خانم‌ها بدون حجاب قانونی ظاهر شده‌اند و این عمل تخلف از قانون جمهوری اسلامی است. درحالی‌که این انتشارات پایبند به قوانین کشور است و بر اساس همین قوانین با شرکت طاقچه قرارداد منعقد کرده است، ضمن اینکه این عمل خلاف شرع و اسلام و عفت عمومی بوده، آن هم در پلتفرمی که محتوای آن متعلق به ناشران و نویسندگان است، این انتشارات دیگر وجاهت قانونی و شرعی برای ادامه همکاری نمی‌بیند و قرارداد فی‌مابین را فسخ می‌کند و بدیهی است در سریع‌ترین زمان ممکن کتاب‌ها از این پلتفرم خارج شوند که در صورت انجام‌نشدن این اقدام، پیگیری قانونی و حقوقی برای انتشارات شهید کاظمی محفوظ است.»

منتظر عذرخواهی هستیم

بیانیه نشر شهید هادی نیز ضمن ابراز تعجب از اقدام کارکنان «مجموعه‌ای که قانون‌گرایی را سرلوحه کار خود قرار داده» به عذرخواهی نکردن و توضیح‌ندادن مدیرعامل طاقچه درباره تصویر انتشاریافته اشاره کرده است.

پیامد قطع همکاری متوجه قانون‌شکنان است

انتشارات تمدن نوین اسلامی، پیامد قطع همکاری را متوجه «قانون‌شکنان» دانسته و افزوده است: «بسیاری از ناشران که دل در گرو اولیای دین و احکام الهی آن دارند، با صدور نامه‌های جداگانه به مدیرعامل طاقچه، اعلام قطع همکاری کرده‌اند. ضمن تقدیر از ناشران متعهد، اعتراض ناشران، مسئولیت وزارت ارشاد و قوه قضائیه در برخورد با آنان را سنگین‌تر می‌کند.»

انتشارات ایمان ماندگار و انتشارات راه‌یار (وابسته به دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی) نیز تبعات این قطع همکاری را برعهده طاقچه اعلام کرده‌اند. در بیانیه انتشارات راه‌یار بیان شده است: «از مجموعه‌هایی که دغدغه فرهنگ و فعالیت فرهنگی دارند، انتظار می‌رود دست‌کم به قانون و ارزش‌های جامعه و عقاید دینی مردم احترام بگذارند و با فرهنگ و تاریخ چندهزارساله کشور آشنا باشند که حتی در سنگ‌نگاری‌های آن، حجاب و پوشش مردمان آن مشهود و آشکار است.»

روح والای شهیدان آزرده خواهد شد

در بیانیه دو انتشارات مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس و مرزوبوم آمده است: «متأسفانه امروز مسئله حجاب به‌عنوان یک ارزش والای دینی و هویت ملی و سفارش و وصیت شهیدان والامقام مورد هجمه همه‌جانبه واقع‌شده است و با نهایت تأسف، تعدادی از کارکنان یکی از مراکز فعال در حوزه نشر و فروش آثار فرهنگی، هم‌راستا با این تهاجم همه‌جانبه دشمنان علیه حجاب، اقدامی به‌دور از انتظار داشته و آن را علنی تبلیغ کرده‌است. انتشارات مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس و انتشارات مرزوبوم ضمن تقبیح و محکومیت این اقدام هنجارشکنانه، تمام فعالیت‌هایش را با مؤسسه طاقچه قطع می‌کند، چراکه ترویج فرهنگ جهاد و شهادت بدون التزام به عناصر هویت‌بخش فرهنگ دینی و ملی نه تنها تأثیرگذار نیست، بلکه روح والای شهیدان گران‌قدر را آزرده خواهد ساخت.»

قطع همکاری برای مقابله با تهاجم فرهنگی

برپایه گزارش فارس، انتشارات حماسه‌یاران از «عواقب جبران‌ناپذیر» اقدام کارکنان طاقچه گفته و نامه نشر بیست‌وهفت بعثت، درباره غیرقانونی بودن انتشار همه کتاب‌های این ناشر تخصصی ادبیات پایداری در طاقچه هشدار داده است.

همچنین انتشارات یازهرا(س)، انتشار تصاویر بی‌حجاب کارکنان این شرکت را موجب سرافکندگی خوانده است و مؤسسه نشر جمکران از مدیرعامل شرکت، خواهان اقدام اصلاحی قانع‌کننده و برائت از اقدام ساختارشکنانه شده است.

مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت، کشف حجاب کارکنان طاقچه را نوعی همراهی با دشمنان انقلاب اسلامی و تهاجم فرهنگی دانسته است.

بیانیه انتشارات سوره مهر نیز با ابراز تأسف از اینکه شرکت یادشده «عذرخواهی صریح و اقدام مناسب» نکرده‌است، «سکوت‌وبی‌تفاوتی» را ایجادکننده «شائبه تأیید و همراهی مدیران» خوانده است.

این گزارش حاکی است مؤسسه انتشارات امیرکبیر هم از لجبازی تعدادی از کارمندان طاقچه گفته و اظهار امیدواری کرده است که «بی‌تفاوتی مجموعه مدیریتی»، «نشئت گرفته از ترجیح منافع اقتصادی آن شرکت نباشد».

اپلیکیشن «طاقچه» در آبان ۱۳۹۳ رونمایی شد. این اپلیکیشن، پلتفرمی برای دسترس قانونی به نسخه دیجیتال و صوتی کتاب‌هاست و به تازگی فروش کتاب‌های چاپی را نیز در دستور کار خود قرار داده است.

مادر جهان پهلوان رستم

درباره رودابه که مهر نجیبانه میان او و زال، نخستین داستان عاشقانه شاهنامه را رقم می‌زند

زهرا دلپذیر

زنان در شاهنامه

رودابه دختر مهراب (پادشاه کابل) و همسر زال و مادر رستم (بزرگ‌ترین پهلوان شاهنامه) است. این بانوی بسیار زیبا که فردوسی او را با صفاتی چون «بهشتی سرتاسر آراسته» و «پردانش و خواسته» و «نیکوتر از خورشید» می‌ستاید، نماد عشق و وفاداری در شاهنامه است و داستان شورانگیز دل‌دادگی او با زال، نخستین و طولانی‌ترین داستان عاشقانه در این کتاب به شمار می‌آید. رودابه زنی است اصیل و بااراده و پرشور و وفادار و با وجود جسارت در عشق، حرکتی دور از پاکدامنی از او سرنمی‌زند. برخلاف بیشتر زنان شاهنامه که نقش کوتاهی در شاهنامه دارند، نام رودابه را در صحنه‌های مختلف این کتاب می‌شنویم، هرچند نقش اصلی و فعال او در شاهنامه، با تولد رستم به پایان می‌رسد. برای خواندن داستان این بانوی نامدار شاهنامه‌ای با ما همراه باشید.

دل‌دادگی زال و رودابه

داستان این عشق پس از سفر زال، پادشاه زابلستان، به کابلستان آغاز می‌شود و برای نخستین‌بار نام رودابه را می‌شنویم؛ دختری شاداب و پرنقش‌ونگار که خواننده را مجذوب خود می‌کند. زال در جشن باشکوهی که مهراب، شاه کابلستان، به افتخار او ترتیب داده است، وصف دختر شاه کابل را می‌شنود و آرام و قرار از دست می‌دهد:

پس پرده او یکی دخترست
که رویش ز خورشید نیکوترست
ز سر تا به پایش به کردار عاج
به رخ چون بهشت و به بالای ساج [...]
دو ابرو بسان کمان طراز
برو توز پوشیده از مشک و ناز
بهشتست سرتاسر آراسته
پر آرایش و دانش و خواسته

از سوی دیگر رودابه نیز از پدرش مهراب، وصف زال را می‌شنود و به او دل می‌سپارد:

دلش گشت پر آتش از مهر زال
ازو دور شد رامش و خورد و هال

رودابه راز دل خود را برای پرستندگانش (خدمتکارانش) که پنج دختر زیباروی خردمند هستند، آشکار می‌کند. آن‌ها تلاش می‌کنند رودابه را از این عشق برحذر دارند، ولی رودابه که شخصیتی سرکش و مصمم و مقاوم دارد، خشمگین می‌شود و زال را بر همه تاج‌داران جهان ترجیح می‌دهد:

نه فغفور خواهم نه قیصر نه چین
نه از تاج‌داران ایران زَمین
به بالای من پور سام‌ست زال
ابا بازوی شیر و با بُرز و یال

خدمتکاران رودابه با شنیدن سخنان قاطع و کوبنده او، قول می‌دهند با هر نیرنگ و افسونی که باشد، آن دو را به وصال هم برسانند. آن‌ها به بهانه چیدن گل به مکانی می‌روند که زال و لشکریانش اردو زده‌اند. زال با دیدن خدمتکاران رودابه تلاش می‌کند شایستگی‌های پهلوانی‌اش را در شکار به نمایش بگذارد. پرستندگان درگفت‌وگو با غلام زال، ریدک، از زیبایی و دل‌انگیزی بانوی خود می‌گویند. ریدک آنچه را شنیده است، برای زال بازگو می‌کند. زال با شنیدن این سخنان آتش اشتیاقش شعله‌ورتر می‌شود و هدایای زیادی را نزد پرستندگان رودابه می‌فرستد و از آن‌ها برای دیدار با رودابه چاره می‌جوید. آن‌ها از زال دعوت می‌کنند تا شب‌هنگام به سرای رودابه برود. در زمان موعود، زال به کاخ رودابه می‌رود و او را بر بالای دژ چشم‌انتظار خود می‌بیند. آن‌گاه رودابه گیسوان بسیار بلند خود را مانند کمندی می‌گشاید و زال از آن می‌گیرد و به بالای کاخ می‌آید. او با دیدن شکوه و زیبایی رودابه شگفت‌زده می‌شود:

بهشتی بُد آراسته پر ز نور
پرستنده بر پای و در پیش حور
شِگِفتی بماند اندرو زال زر
بدان موی و آن روی و بالای و فر
ابا یاره و طوق و با گوشوار
ز دیبا و گوهر چو باغ بهار

دو دل داده با یکدیگر پیمان وفاداری می‌بندند و قول می‌دهند با یکدیگر ازدواج کنند. زال پس از بازگشت از نزد رودابه، بی‌درنگ برای پدرش، سام، نامه‌ای می‌نویسد و از او برای ازدواج با دختر مهراب اجازه می‌خواهد. سام با موبدان و ستاره‌شناسان دربارش مشورت می‌کند. آن‌ها فرجام نیکی را برای این پیوند، نوید می‌دهند. زال خبر موافقت پدرش را با هدایای بسیار به وسیله یکی از خدمتکاران خود نزد رودابه می‌فرستد. سیندخت، مادر رودابه، با دیدن زن پیغام‌رسان، به عشق زال و رودابه پی می‌برد. او که زال را داماد شایسته‌ای برای خود می‌بیند، با ترفند بسیار، همسرش مهراب را نیز به این پیوند راضی می‌کند. مهراب دخترش را نزد خود فرامی‌خواند. سیندخت از رودابه می‌خواهد زار و نالان نزد پدر برود، اما رودابه تمایل ندارد عشق خود را مخفی کند و می‌گوید:

روان مرا پور سام‌ست جفت
چرا آشکارا بباید نهفت

مهراب رودابه را سرزنش می‌کند و عشق بی‌باکانه و جسورانه را به دور از خرد و اصالت می‌داند. رودابه سکوت می‌کند و دم نمی‌زند:

به پیش پدر شد چو خورشید شرق
به یاقوت و زر اندرون گشته غرق [...]
پدر چون وُرا دید خیره بماند
جهان‌آفرین را نهانی بخواند
بدو گفت کای شسته مغز از خرد
ز پرگوهران این کی اندر خورد [...]
سیه میژه بر نرگسان دژم
فروخوابنید و نزد هیچ دم

پس از مدتی شاه ایران، منوچهر، با شنیدن دل‌دادگی زال و رودابه و ازدواج قریب‌الوقوع آن‌ها، به سام دستور حمله به کابل را می‌دهد. سیندخت، مادر رودابه، راهی دربار سام می‌شود و نظر او را برای ازدواج جلب می‌کند. سام نیز با نوشتن نامه به منوچهرشاه، از او می‌خواهد با ازدواج زال و رودابه موافقت کند. سرانجام جشن ازدواج بسیار باشکوهی برای زال و رودابه در کاخ مهراب برگزار می‌شود:

برفتند تا خانه زرنگار
کجا اندرو بود خرّم بهار
نگه کرد سام اندران ماه‌روی
یکایک شِگِفتی بماند اندروی
ندانست که‌ش چون ستاید همی
برو چشم را چون گشاید همی
بفرمود تا رفت مهراب پیش
ببستند بندی به آیین و کیش

با توجه به توصیفات فردوسی، می‌توان رودابه را زیباترین زن در شاهنامه دانست؛ زیبایی او بارها سبب تحسین و شگفتی قهرمانان داستان می‌شود. عشق رودابه به زال، همچون عشق در بیشتر داستان‌های شاهنامه، پاک و نجیبانه است. مهم‌ترین ویژگی‌های اخلاقی رودابه، جسارت و بی‌پروایی در ابراز عشق و داشتن اراده‌ای قوی و وفاداری و پاکدامنی است. او زنی است پرشور و سرشار از احساس که تا پایان، بر سر عهد و پیمان خود با زال می‌ماند و با اینکه جسورانه به او عشق می‌ورزد، حرکتی دور از عفاف و بانومنشی انجام نمی‌دهد. درمجموع می‌توان رودابه را در شاهنامه، نماد عشق و وفاداری نامید. محمدعلی اسلامی ندوشن در کتاب «آواها و ایماها» می‌نویسد: «این داستان از جهتی ماجرای عشق رومئو و ژولیت شکسپیر را به خاطر می‌آورد و از نظر زیبایی و گیرایی نه تنها در شاهنامه بلکه در سراسر ادبیات فارسی بی‌نظیر است. رودابه با اینکه می‌داند خانواده‌اش با خانواده زال دشمن‌اند، در پروردن عشق خود کمترین تردیدی به دل راه نمی‌دهد. گرچه او نخست مانند دختران نااهل جلوه می‌کند که به فکر آبروی خانواده نیست و هیچ‌چیز جلو عشق خروشانش را نمی‌گیرد، در همین ازخود بی‌خودشدگی، ظرافت و اندازه و عفافی نهفته شده که نشانه اصالت اوست.

مادر جهان پهلوان

رودابه مدتی پس از ازدواج باردار می‌شود، اما دوران آبستنی او عادی نیست و به دلیل بزرگی نوزاد، با رنج و دشواری بسیاری روبه‌روست. روزی رودابه از هوش می‌رود. زال یکی از پرهای سیمرغ را بر آتش می‌نهد و او بی‌درنگ حاضر می‌شود. سیمرغ می‌گوید نوزاد بزرگ‌تر از حد معمول است و باید پهلوی رودابه را بشکافند. سپس موبدی ماهر را فرامی‌خوانند و باتوجه به توصیه‌های سیمرغ، رودابه را بیهوش می‌کنند و نوزاد متولد می‌شود. رودابه پس از یک‌شبانه‌روز به هوش می‌آید. او با دیدن فرزندش، نام او را رستم می‌نهد:

بخندید از آن بچّه سرو سهی
بدید اندرو فرّ شاهنشهی
[برَستم بگفتا غم آمد به سر
نهادند رُستمش نام پسر]

این گونه است که نقش اصلی رودابه در شاهنامه با زادن جهان‌پهلوان شاهنامه و نام‌گذاری او به پایان می‌رسد. گفتنی است برخی بر این باورند که نخستین شیوه زایمان به این شیوه، سزارین نام دارد و از زمان سزار، پادشاه روم، رایج است، درحالی‌که هزاران سال قبل از آن، رستم پهلوان به این شیوه متولد شده است و باید این عمل را رستمینه یا رستم‌زایی نامید.

رودابه پس از تولد رستم

پس از زاده شدن رستم، گرچه رودابه در شاهنامه حضور دارد، به جز چند صحنه کوتاه، نشانی از او نمی‌یابیم. برای نمونه، او را در هنگام وداع با فرزندش رستم که رهسپار سفر به مازندران برای نجات شاه ایران، کیکاووس، است گریان می‌بینیم. پس از مرگ سهراب به‌دست رستم نیز رودابه کنار تابوت او زاری می‌کند. او پس از سوگواری بسیار طولانی، دچار جنون و روان‌پریشی می‌شود، اما سرانجام بهبود می‌یابد. در واپسین صحنه، وقتی زال کهن‌سال به اسارت بهمن، پسر اسفندیار، درمی‌آید، رودابه پیر و فرتوت را در حال نفرین خاندان بهمن می‌بینیم، به حدی که از ناله‌های دردناک او بهمن مجبور به عقب‌نشینی می‌شود.